

نمادها و نشانه‌های تصویری آیات قرآن کریم و روابط آن‌ها از منظر گرافیک

تاریخ دریافت: ۹۹/۱۱/۱۱

تاریخ پذیرش: ۹۹/۱۲/۲۷

کد مقاله: ۶۵۷۷۴

سیده اعظم موسوی خرد^۱

چکیده

نشانه‌های تصویری قرآن کریم به‌طور کلی در دو قالب داستان‌سرایی، تشبیه، تمثیل و نماد قابل بررسی است. قرآن کریم از داستان‌سرایی برای بیان مفاهیم بلند و درک بهتر بهره می‌جوید و مطالب آموزنده و اخلاقی را در قالب داستان بیان می‌کند. در بیشتر داستان‌ها خداوند رحمان از نقش حیوانات در ساختار داستان استفاده می‌کند؛ و به‌صورت غیرمستقیم برای مخاطب بیان می‌دارد. در فرهنگ‌ها و تمدن‌ها برای بیان زیباییات، گویاتر و دلنشین‌تر موضوعات، از تشبیه، تمثیل و نماد استفاده می‌کنند. این شیوه بیان در قرآن کریم با ظرافت آمده است. بسیاری از مضامین تشبیهی و تمثیلی آیات قرآنی نیز ساختاری تصویری دارند. اصولاً زبان تشبیه و تمثیل برای درک بهتر مفاهیم جذابیت و تأثیر بیشتری دارد. بررسی رابطه نمادها و نشانه‌های تصویری آیات قرآن کریم از منظر گرافیک موضوع مطالعه پژوهش حاضر است و برای درک بهتر رابطه نمادها و نشانه‌های تصویری آیات قرآن کریم از منظر گرافیک به چند نمونه از عناصر اصلی هنر گرافیک، مثل رنگ، پیام، ریتم، طرح و نور و ... که در قرآن کریم به این عناصر عنایت خاص شده است، پرداخته می‌شود. به دلیل کوتاهی مقاله تعریف نماد، نشانه، گرافیک، به‌طور خلاصه در قسمت مقدمه آورده شده است. این پژوهش به شیوه توصیفی-تحلیلی بوده و گردآوری اطلاعات از طریق کتابخانه‌ای می‌باشد.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی

واژگان کلیدی: نماد تصویری، نشانه تصویری، آیات قرآن کریم، گرافیک

۱- مقدمه

هنر آهنگ دلپذیر، ریتم و آوای طبیعت است. جهانی بودن زبان هنر در میان راه‌های مختلف پیام‌رسانی و برخورداری از سرعت و پذیرش بیشتر آن در انتقال پیام، همگی حکایت از قدرت هنر دارد. اصالت در هنر مقدس بر اساس دستور دینی و باور مؤمنان معتقد شکل می‌گیرد. هنر ماهیتی مقدس دارد؛ یعنی با عنایت الهی توأم است وسیله‌ای است برای تجلی ساحت قدسی و رهنمایدن آن گوهر پاک و زیبا و درعین‌حال ارائه آن در قالبی جامع و آراسته و مقدس. هنر نردبانی است که به بام حقیقت منتهی می‌شود، به شرط آنکه بر دیوار قرآن تکیه کند و در واقع هنر، پلکان اضطراری در آسمان‌خراش روح است. هر چه بیشتر پیش می‌رویم، می‌فهمیم که امروزه برای ترویج قرآن کریم به همه ابزارهای سالم و سازنده نیاز داریم. در این قاعده که درنگ می‌کنیم، می‌بینیم ابزار بسیار قدرتمندی به نام «گرافیک» بر زمین مانده و به خوبی از آن برای انتشار آموزه‌های قرآن کریم و رساندن پیام آن به ایرانیان و جهانیان، بهره‌برداری نشده است.

نماد کلمه‌ای است که معنایی فراتر یا غیر از لفظ خود را القا می‌کند. نماد که مظهر و سمبل هم نامیده شده، نشانه‌ای است که نشانگر یک اندیشه، شیء، مفهوم، چگونگی و جز این‌ها می‌تواند باشد. نماد می‌تواند یک شیء مادی باشد که شکلش به‌طور طبیعی یا بر پایه قرار داد با چیزی که به آن اشاره می‌کند پیوند داشته باشد. برای نمونه فروهر نماد مزدپرستی است. نماد در اصطلاح روان‌شناسی تحلیلی نوعی شبیه ساخته لبیبو است. صورتی ذهنی که هم می‌تواند لبیبو را به همان اندازه قبلی سازد و هم اینکه آن را در قالبی متفاوت از صورت اولیه خود به جریان اندازد؛ اما شکل‌گیری نمادها یک روند آگاهانه نیست بلکه بر عکس از راه مکاشفه و یا شهود از دل ناخودآگاه تولید و بیرون داده می‌شود. اغلب اوقات نمادها به‌طور مستقیم از رویاها نتیجه می‌شوند یا از آنها تأثیر می‌پذیرند که این گونه نمادها پر از انرژی روانی و دارای نفوذی جبری و مقاومت ناپذیر هستند. نماد نه تنها باید بیانگر خیال‌پردازی‌های خودآگاهانه تکنولوژیک و فلسفی انسان باشد بلکه باید از ژرفای سرشت حیوانی او نیز خبر دهد؛ باید تقلیدی از کلیت انسان و بازگو کننده همان باشد. (نظری دارکولی، ۱۳۹۱: ۴۴) و اما تعریف نشانه: در یک تعریف ساده و سوسوری از نشانه می‌توان گفت نشانه امری مرکب از یک دال و یک مدلول می‌باشد؛ اما پیرس نشانه را چنین تعریف می‌کند: «چیزی که از دید کسی از جهت یا ظرفیتی به‌جای چیز دیگر می‌نشیند.» برخی معتقدند او با این تعریف فلسفی، در واقع می‌خواست عنصر تفسیر معنا توسط ذهن مخاطب را در نشانه‌شناسی دوبعدی سوسور وارد کند و در یک فضای سه‌ظلعی به تبیین ماهیت نشانه بپردازد. پیرس استدلال می‌کرد که مفسران خود باید به نشانه‌ها معنی بخشند. او معنی‌شناسی را مهم می‌دانست. (اجلالی، ۱۳۸۷: ۱۷، ۱۸) در تعریف گرافیک میتوان گفت که گرافیک یا ارتباط تصویری (برابر فرهنگستان: نگاشتارگری) حیطه‌ای از هنرهای تجسمی است که دارای کاربردهای متنوع و گسترده‌ای است. گرافیک یا به عبارت کاملتر طراحی گرافیک، به کارگیری تکنیک‌های مختلف خلق آثار دوبعدی بر روی سطوح مختلف نظیر کاغذ، دیوار، بوم، فلز، چوب، پارچه، پلاستیک، نمایشگر رایانه، سنگ و... است که در جهت رساندن پیامی خاص به بیننده انجام می‌پذیرد. گرافیک یک اثر هنریست که می‌خواهد پیامی را از طریق بصری در کوتاهترین زمان ممکن به مخاطب برساند. در این مقاله برای درک بهتر رابطه نمادها و نشانه‌های تصویری آیات قرآن کریم از منظر گرافیک به چند نمونه از عناصر اصلی هنر گرافیک، مثل رنگ، پیام، مفهوم، طرح و نور و... که در قرآن آمده است می‌پردازم.

۲- چارچوب تحقیق

اهداف تحقیق:

- برای درک بهتر رابطه نمادها و نشانه‌های تصویری آیات قرآن کریم از منظر گرافیک به چند نمونه از عناصر اصلی هنر گرافیک، مثل رنگ، پیام، مفهوم، طرح و نور و... که در قرآن کریم به این عناصر عنایت خاص شده است، پرداخته میشود.
- مشخص کردن نمادها و نشانه‌های تصویری در قرآن کریم (آیاتی که جنبه تصویری دارند).

سوالات تحقیق:

- رنگ‌ها در قرآن نماد چه هستند؟
- پیام، نور و ریتم در قرآن نماد چیست؟

۳- رنگ‌ها در قرآن

۳-۱- رنگ سبز در قرآن کریم

رنگ سبز زیباترین رنگی است که ده بار در قرآن مطرح شده و در چند آیه به بساط بهشتیان و لباس‌های ابریشمی و حریرهای سبز رنگ آنان اشاره شده است. همچنین رنگ گیاهان سبز هم چند بار در قرآن تکرار شده است. سبز، انتقال دهنده شادی، انبساط خاطر و بهجت است. نماد رویش، حیات و زندگی است. رنگ سبز در نظر روان‌شناسان آرامش‌بخش‌ترین رنگ‌ها و نشانه حیات، رویش و جاودانگی است. (زواره، ۲: ۱۳۴۸) سبزرنگ صبر، شکیبایی، بردباری و پایداری است. تقویت‌کننده و محرک چشم، آرامش‌بخش و استراحت دهنده است.

امام کاظم (علیه السلام) فرمود: سه چیز نور چشم را زیاد می‌کند [و در روایتی دیگر سه چیز غم و اندوه را از دل بیرون می‌کند] نگاه به سبزه، نگاه به آب روان و نگاه به صورت زیبا. (مجلسی، ۱۴۰۳: ۴۵)

رنگ سبز از آمیختن دو رنگ زرد و آبی به دست می‌آید و رنگ وسط و متعادل است؛ نه مانند زرد اثر محرک و هیجان‌آور دارد، نه مثل آبی مسکن و غیرفعال و سرد است. این رنگ گویای ثبات عقیده و خودشناسی است (لوثر ماکس، ترجمه ویدا آبی زاده، ۱۳۸۳: ۸۳)

سبز نماد ایمان و کمال و رنگ بهشتی است و چون در رنگ سبز ایمان و اطمینان مشهود است، نزد مسلمانان رنگ مقدس شمرده می‌شود و مردم میان این رنگ و پیامبر اکرم و اهل بیت طاهرین و اولادشان (علیه السلام) ارتباط برقرار می‌کنند (ابوطالبی، ۱۳۷۲: ۱۲۵).

قرآن مجید عنایت ویژه‌ای به این رنگ دارد و در هفت مورد به سبزی گیاهان و رویدنی‌های سطح زمین اشاره کرده و این مسأله را نشانه‌ای برای اهل ایمان دانسته است، از جمله:

«أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَتُصْبِحُ الْأَرْضُ مُخْضَرَّةً إِنَّ اللَّهَ لَطِيفٌ خَبِيرٌ؛ «آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فرو فرستاد، پس زمین سرسبز گردید؟ که خدا لطیف [و] آگاه است». (سوره حج/آیه ۶۳)

قسمت اعظمی از کره زمین را پوشش گیاهان سبز پوشانده‌اند، از قبیل جنگل‌ها، مراتع و باغ‌ها. این رنگ اثر شگفتی در آرامش روان انسان و حیوانات دارد و در لسان روایات، نگاه کردن به سبزه‌زارها اندوه را بر طرف می‌کند.

خداوند طبیعت و گیاهان سرسبز را مظهر مسرت و شادی معرفی می‌کند. «فَأَنْبَتْنَا بِهِ حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ؛ و به وسیله آن، باغ‌هایی زیبا و سرورانگیز رویاندیم». (سوره نمل، آیه ۶۰)

راغب اصفهانی در تعریف بهجت آورده است: «البهجة حسن اللون و ظهور السرور فيه»، بهجت زیبایی رنگ و آشکار شدن سرور و شادی در آن است.

با توجه به این که باغ‌ها سرسبزند و قرآن باغ‌های سرسبز را شادی‌بخش می‌داند، آیه می‌تواند به اثر شادی‌آفرین و اندوه‌زدایی رنگ سبز اشاره داشته باشد و گویای اعجاز علمی رنگ سبز در قرآن باشد. دکتر پاک نژاد نیز با اشاره به آیه مذکور، آن را مظهر اعجاز قرآن می‌داند (پاک‌نژاد، ۱۳۶۳: ۱۵۷).

رنگ سبز در فرهنگ قرآن، رنگ بهشت و بهشتیان است. قرآن سبزی لباس‌ها و فرش‌های بهشتی و روکش پشتی‌های آن را به زیبایی به تصویر می‌کشد. بهشت محل جاوید و خانه قرار و آرامش است، پس این آرامش از هر لحاظ برای آنان فراهم می‌باشد؛ حتی در نوع رنگ‌های به کار رفته در بهشت. به همین دلیل رنگ بهشت، لباس و تخت بهشتیان سبز است.

قرآن کریم در یک مورد، رنگ خود بهشت (مدهامتان در سوره الرحمن به معنای دو بهشتی است که در نهایت سرسبزی‌اند) و در دو مورد، رنگ لباس بهشتیان و در یک مورد، تکیه‌گاه آنان را سبز معرفی می‌کند.

در سوره کهف آیه ۳۱ آمده است: «وَيَلْبَسُونَ ثِيَابًا خُضْرًا مِنْ سُنْدُسٍ وَإِسْتَبْرَقٍ... و لباس‌هایی سبز، از حریر نازک و ضخیم، می‌پوشند.»

در سوره الرحمن آیه ۷۶ آمده است: «مُتَّكِنِينَ عَلَى رُفُوفٍ خُضْرٍ وَعَبَقَرٍ حِسَانٍ، در حالی که (بهشتیان) بر بالش‌های سبز و (فرش‌های) کم‌یاب زیبا تکیه زده‌اند.»

در سوره انسان آیه ۲۱ آمده است: «غَالِيَهُمْ ثِيَابٌ سُنْدُسٍ خُضْرٌ، بر فرازشان لباس‌های سبز حریر نازک و حریر ضخیم است» پیامبر اکرم (صلی الله علیه و آله وسلم) نیز با توجه به این آیات کریمه گاهی لباس سبز می‌پوشید. در روایت هست که ایشان از لباس سبز خوشش می‌آمد و قبای دیبای سبز رنگی داشت.

غزالی در احیاء العلوم می‌گوید: «رنگ سبز نماد حیات و جاودانگی ایمان و کمال است و این در بهشت به خوبی جلوه گر شده است». خدا در سوره مبارکه الرحمن، در آیه ۶۴ آمده است: «مُدَّهَامَاتَانَ». ادهیام به معنای شدت رنگ سبز است تا حدی که مایل به سیاهی است. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۱۲۵)

خداوند در سوره یس، قرمزی آتش و سبزی درخت را کنار هم ذکر می‌کند که نشان می‌دهد مکمل رنگ سبز قرمز است.

قرآن کریم در یک مورد، رنگ خود بهشت (مدهامتان در سوره الرحمن به معنای دو بهشتی است که در نهایت سرسبزی‌اند) و در دو مورد، رنگ لباس بهشتیان و در یک مورد، تکیه‌گاه آنان را سبز معرفی می‌کند.

در سوره یس، آیه ۸۰ آمده است: «الَّذِي جَعَلَ لَكُمْ مِنَ الشَّجَرِ الْأَخْضَرِ نَارًا فَإِذَا أَنْتُمْ مِنْهُ تُوقَدُونَ» کسی که برای شما از درخت سبز، آتشی قرار داد و شما در هنگام (نیاز) از آن (آتش) می‌افروزید.»

رنگ سبز از وفور نعمت و فراوانی سخن می‌گوید؛ همان گونه که حضرت یوسف هفت خوشه سبز را به هفت سال فراوانی نعمت تعبیر کرد. بهجت بخش بودن باغ‌های سرسبز که در آیه ۶۰ سوره نمل آمده است: «حَدَائِقَ ذَاتَ بَهْجَةٍ» به این اثر رنگ سبز اشاره دارد که می‌تواند از اشاره‌های علمی قرآن یا شاید معجزات علمی قرآن باشد.

در مجموع از اشارات قرآن کریم و تحقیقات دانشمندان روشن می‌شود که رنگ سبز از رنگ‌های شادی‌آور و از نشانه‌های پروردگار عالمیان است و به توحید ربوبی دلالت دارد؛ چون همان کسی که انسان را خلق کرد، این طبیعت سرسبز و زیبا و مسرت

بخش را برای او آفرید و نهایت و پیوستگی و ارتباط و نظم در کل این مجموعه هست و بین تک تک اجزای این مجموعه هماهنگی وجود دارد که بر وجود خالق و مدبّر یگانه و حکیم دلالت می‌کند.

۳-۲- رنگ زرد در قرآن کریم

ارزیابی دانشگاه‌های لوئیزیانا و پوردو در آمریکا نشان می‌دهد که رنگ زرد حالت شغف و سرور را بازگو می‌کند و این همان مطلبی است که قرآن پانزده قرن قبل بیان فرموده است. در سوره بقره آیه ۶۹: «صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ: زرد اندک متمایل به پرنرنگی که ناظرین را به نشاط و مسرت می‌رساند.»

زرد باعث افزایش سوخت و ساز بدن است و چون از بقیه رنگ‌ها زودتر دیده می‌شود، به دلیل نور زیادی که منعکس می‌کند، بیشتر از بقیه رنگ‌ها برای جلب توجه استفاده می‌شود. در رنگ درمانی طبق آن چه از بوعلی سینا طبیب ایرانی در کتاب قانون نقل شده است، رنگ زرد التهاب و درد را کاهش می‌دهد. (ویلز، ۱۳۸۵) رنگ زرد در قرآن کریم با واژه‌های «صفر، صفراء و مصفراً» پنج بار در آیات زیر آمده است:

بقره/ ۶۹: ۲. روم/ ۵۱: ۳. زمر/ ۴۱: ۴. حدید/ ۲۰: ۵. مرسلات/ ۳۳.

به‌طور کلی رنگ زرد در قرآن گاهی شادی‌آفرین و مایه سرور و حیات‌بخش و گاهی غم‌انگیز و گویای مرگ و نابودی است. شاید علت این تفاوت تأثیر در مراتب مختلف رنگ‌ها است؛ مثلاً رنگ زرد پرنرنگ و طلایی، زرد کم‌رنگ، زرد مایل به قهوه‌ای و غیره؛ که هرکدام تأثیری متفاوت از دیگری دارد. هنگامی که زرد به قهوه‌ای می‌گراید، مانند برگ‌های پاییزی، حالت مسرت بخشی خود را از دست می‌دهد. قرآن کریم با توجه به آثار روانی رنگ زرد در آیاتی، به این رنگ توجه می‌کند. خداوند درباره گاو بنی‌اسرائیل مستقیم به اثر شادی‌بخشی رنگ زرد اشاره می‌فرماید. در سوره بقره آیه ۶۹:

«قَالُوا اذْعُ لَنَا رَبِّكَ يُبَيِّنُ لَنَا مَا لَوْنُهَا قَالَ إِنَّهُ يَقُولُ إِنَّهَا بَقَرَةٌ صَفْرَاءُ فَاقِعٌ لَوْنُهَا تَسْرُّ النَّاطِرِينَ

گفتند: برای ما از پروردگارت بخواه تا روشن بیان کند برایمان که رنگ آن (گاو) چگونه است؟» (موسی) گفت که او می‌گوید: در حقیقت آن گاوی زرد است که رنگش یک دست است که بینندگان را شاد می‌سازد.

علامه طباطبایی در معنای آیه می‌فرماید: «صفرَاءُ فَاقِعٌ شَدِيدُ الصَّفَرَةِ فِي صَفَاءِ لَوْنِهَا» یعنی زرد پرنرنگ و خالص. باید توجه داشت که رنگ زرد در آیه همراه واژه «فاقع» آمده که به معنای شدت رنگ است و بیشتر درباره زرد و قرمز به کار می‌رود؛ بنابراین واژه «فاقع» نشان از پرنرنگ بودن زرد دارد، مانند رنگ طلایی که همان زرد پرنرنگ است. رنگ طلایی از طیف زرد جذاب و مسرت‌بخش و نماد آخرت و ایمان است. از این آیه یک قانون کلی درباره رنگ‌ها به دست می‌آید؛ این که رنگ‌ها در روحیه افراد تأثیرهای مثبت و منفی دارند؛ مثلاً زرد موجب شادی و سرور و سیاه باعث غم و اندوه است. شاید بتوان گفت این آیه به تأثیر روان شناختی رنگ‌ها اشاره کرده است. (۱۳۷۲)

استاد رضایی مطلب را با شاید بیان کرده، چون احتمال داده (تسرالناظرین) به بقره برگردد؛ نه به رنگ آن. در حالی که فرموده است «لونها تسر الناظرین» و این صراحت دارد در این که مسرت بخش بودن، اثر رنگ زرد گاو است؛ نه خاصیت خود گاو؛ به ویژه که فرمود «تسر الناس»؛ بلکه «ناظرین» گفت و آن چه برای بینندگان در آغاز جلب توجه می‌کند، رنگ اشیاء است. (۱۳۸۷)

بنابراین قرآن کریم چهارده قرن قبل در این آیه، به اثر شادی‌آفرین رنگ زرد اشاره و یک قانون کلی درباره تأثیر رنگ‌ها بیان نمود و جلوه‌ای از ابعاد اعجاز علمی قرآن را به نمایش گذاشت و این نکته‌ای است که دانشمندان در قرون اخیر بدان اشاره کرده‌اند؛ در حالی که در قرون متمادی تاریخ اسلام، مورد توجه جمهور مفسران بود.

بعد از قرآن دانشمندان علم روان‌شناسی به خوبی به این ویژگی رنگ زرد و رنگ‌های دیگر پی‌بردند. در روایات نیز به آثار شادی بخش رنگ زرد اشاره شده است. از جمله امام صادق فرمودند: «هر کس کفش زرد بپوشد تا زمانی که در پایش باشد در خوشحالی به سر می‌برد.»

امام علی هم فرمودند: «هر کس کفش زرد بپوشد، کدورت و غم و غصه‌اش کاهش می‌یابد.»

امام صادق در جای دیگری فرمودند: «از کفش زرد استفاده کنید، زیرا سه ویژگی دارد: چشم را نورانی، قوه جنسی را تقویت و غم و غصه را برطرف می‌کند.»

امام در این روایت به خاصیت محرک بودن رنگ زرد اشاره کرده است. (حویزی، ۹۰: ۱۳۸۳)

در سوره مرسلات، آیه ۳۲ و ۳۳ آمده است: «إِنَّهَا تَرْمِي بِشَرِّ كَالْقَصْرِ، كَأَنَّهُ جِمَالَةٌ صُفْرٌ»، که آن (آتش) شراره‌هایی هم‌چون قصری (عظیم) می‌افکند؛ چنان که گویی (خصوصیات) آن (هم‌چون) شتران زرد است.

آیه به صراحت بر شادی بخش بودن رنگ زرد پرنرنگ دلالت دارد و ظاهراً این راز قبل از قرآن بیان نشده بود آیه در این صورت می‌تواند نوعی اعجاز علمی در بحث رنگ‌ها باشد. یکی دیگر از کاربردهای قرآنی رنگ زرد، درباره آتش جهنم است. قرآن آتش جهنم را به شتران زرد مو تشبیه کرده است.

در سوره زمر، آیه ۲۱ آمده است: «أَلَمْ تَرَ أَنَّ اللَّهَ أَنْزَلَ مِنَ السَّمَاءِ مَاءً فَسَلَكَهُ يَنَابِيعَ فِي الْأَرْضِ ثُمَّ يُخْرِجُ بِهِ زُرْعًا مُخْتَلِفًا أَلْوَانُهُ ثُمَّ يَهِيجُ فَتَرَاهُ مُصْفَرًّا ثُمَّ يَجْعَلُهُ حُطَامًا إِنَّ فِي ذَلِكَ لَذِكْرًا لِأُولِي الْأَلْبَابِ: آیا نظر نکرده‌ای که خدا از آسمان آبی فروفرستاد و آن را به

چشمه‌هایی که در زمین است وارد نمود، سپس به وسیله‌ی آن زراعتی را با رنگ‌های متفاوتش بیرون می‌آورد؛ سپس خشک می‌گردد، پس آن را زرد می‌بینی؛ سپس آن را درهم شکسته می‌گرداند؟!»
 قطعاً این مطلب تذکری برای خردمندان است. خداوند در این آیه رنگ زرد را برای حالت پژمردگی و مرگ به کار برده است که با کاربرد آن در آیه ۶۹ سوره بقره که رنگ زرد را مسرت‌بخش در تعارض است، به ظاهر نمی‌سازد، گویا این اختلاف تعبیر به خاطر گوناگونی رنگ‌های زرد است. زرد گاهی سیر و پررنگ و گاهی بی‌حال و کم‌رنگ است. زمانی طلایی رنگ و برخی مواقع هم مایل به قهوه‌ای است که هر کدام آثار مخصوص خود را دارند؛ چنان‌که دانشمندان روان‌شناسی نیز به آثار مختلف هر یک اشاره کرده‌اند. در آیات (مرسلات/ ۳۲؛ زمر/ ۲۱) به یکی دیگر از آثار رنگ زرد؛ یعنی گرمی و حرارت بخشی و درخشش و نیز نماد پژمردگی و نابودی اشاره شده است و این که رنگ زرد با توجه به آثار متضاد آن، باید درجه‌های مختلفی داشته باشد. با تدبیر بیشتر در این آیات می‌توان به نکات مهمی دست یافت.

۳-۳- رنگ قرمز در قرآن کریم

«رنگ قرمز انرژی دهنده و محرک بسیار قوی است. به گفته بوعلی سینا فشار خون را بالا می‌برد، جزء رنگ‌های گرم است.» (ویلز، ۱۳۸۵: ۱۵، ۱۰۵)
 آیاتی که تابلوی زیبای رنگینی در آن خلق شده، آیه ۳۷ سوره مبارکه الرحمن است: «فَإِذَا انشَقَّتِ السَّمَاءُ فَكَانَتْ وَرْدَةً كَالدِّهَانِ، پس هنگامی که آسمان شکافته شود و هم‌چون روغن مذاب گلگون گردد».
 طبرسی در توضیح «ورده» می‌گوید. کلمه ورده در این آیه به معنای «گل سرخ» تداعی کننده سرخی آسمان هنگام قیامت است که وجه تشبیه همان گرم بودن و فعال بودن زیاد است. آسمان روز قیامت به گل سرخ تشبیه شده است. (۱۴۰۶)
 وی در توضیح «الدهان» می‌نویسد: آسمان روز قیامت مانند روغن‌های رنگارنگی است که پاره‌ای از آن‌ها بر پاره‌ای دیگر ریخته می‌شود (آسمان همانند روغن مذاب گلگون گردد)
 قرمز شدن آسمان و شکافته شدن آن در آستانه قیامت حکایت از اوج گرما، هیجان و ترسی دارد که انسان‌ها را فرا می‌گیرد؛ بنابراین در قرآن، قرمز برای رنگ‌آمیزی روز قیامت نیز ذکر شده و حکایت از قرمز شدن آسمان در آستانه قیامت دارد و خود این رنگ بر ترس و هراس روز قیامت می‌افزاید. همین تشبیه روز قیامت به رنگ قرمز گل و روغن سرخ شده می‌تواند گویای این باشد که این رنگ جزء رنگ‌های محرک و غم‌انگیز است و مانند سایر رنگ‌های تیره حالت هیجان‌انگیزی دارد و این تشبیه اشاره‌ای به برخی آثار روانی این رنگ است.

۳-۴- رنگ آبی در قرآن کریم

این رنگ به صورت مستقیم یک بار در قرآن سوره طه، آیه ۱۰۲، به معنای حزن و اندوه، به کار رفته است: «يَوْمَ يُنْفَخُ فِي الصُّورِ وَنَحْشُرُ الْمُجْرِمِينَ يَوْمَئِذٍ زُرْقًا؛ روزی که در شیپور دمیده می‌شود؛ و خلفکاران را در آن روز، در حالی که (چشمانشان کور و) کبود است گرد می‌آوریم!»
 رنگ آبی در این آیه دلالت بر ترس و وحشت نمی‌کند؛ جز آن که با رنگ سیاه ترکیب شود و مجرمان با بدن‌های کبود در آن روز جمع می‌شوند. «زُرْقًا» آبی پر رنگ است و خود این واژه بر شدت آبی دلالت دارد؛ بر عکس آبی باز و کم رنگ که همان رنگ آسمان و دریاهاست که بسیار آرام بخش است. رنگ آبی آسمان اثر تسکینی شگرفی بر انسان می‌گذارد، لذا خداوند رنگ آسمان و اقیانوس‌ها و دریاها (که تصویر آبی آسمان را در خود نشان می‌دهند) را به رنگ آبی مزین ساخت. به این ترتیب خداوند حکیم زندگی انسان را بر اساس فطرت و نیاز روحی او رنگ‌آمیزی کرد و این دلالت بر ربوبیت خدای واحد دارد. انسان وقتی به آسمان می‌نگرد، رنگ آبی را می‌بیند که آرام‌بخش است و چون به زمین می‌نگرد، رنگ سبز را می‌بیند که حالت مسرت‌بخش و متعادلی به روان او می‌بخشد. آبی به دلیل همین خواص، بهترین رنگ برای کاشی کاری مساجد و زیارت‌گاه‌ها می‌باشد. آسمان در شب به رنگ آبی تیره و کبود در می‌آید و چه زیباست که قرآن شب را مایه استراحت قرار داده است.
 بنابراین جو زمین آبی‌های مختلف - از آبی روز تا آبی سیاه شب - دارد. علامه طباطبایی درباره مفهوم واژه زُرْقًا در آیه می‌نویسد (۱۳۸۴): «زُرْق جمع زُرْق (آبی) می‌باشد که رنگی خاص است» ایشان از بین همه تفاسیر، این تفسیر که مراد از زُرْقًا، عمی و نابیناشدن مجرمان در قیامت است را می‌پذیرد؛ چرا که شخص نابینا همه‌جا را آبی و کبود می‌بیند.
 همانطور که بررسی کردیم، قرآن هیچ‌گاه برخلاف حکم قطعی علم سخن نمی‌گوید و اگر از نظر علمی رنگ آبی آرام‌بخش است، مراد رنگ آبی روشن است که قرآن به صراحت درباره آن اظهار نظری نکرده است و اگر قرآن کریم چهره مجرمان را با آبی رنگ‌آمیزی می‌کند، مرادش آبی تیره و مایل به سیاهی است؛ نه آبی روشن. از این آیه می‌توان استفاده کرد که رنگ آبی تیره مانند سایر رنگ‌های تیره غم‌انگیز و شوم است.

۳-۵- رنگ سفید و سیاه در قرآن کریم

بعضی از هنرمندان و علمای رنگ‌شناس سفید و سیاه را جزء رنگ‌ها نمی‌دانند؛ چون سفید رنگ اصلی نور خوشید است و وقتی تمام نور تابیده شده به اشیاء به چشم ما بازتاب کند، آن اشیاء سفید و اگر تمام نور را جذب کند، سیاه دیده می‌شود، زیرا هیچ اشعاعی از آن به سلول‌های بینایی چشم برخورد نمی‌کند. رنگ سفید رنگ طهارت، پاکی، خلوص، صفا، خیر، عدالت و حقیقت است و با رنگ سیاه در تعارض است. این رنگ ویژگی‌ها و صفات مثبت و پسندیده و حالات مطلوب را متصور می‌شود. این رنگ به صورت صریح در قرآن یازده مرتبه استفاده شده است. با واژه‌های (ابیضت، تبيض، ابيض، بیضاء و بیض) چهار مرتبه به صورت تقابل با رنگ سیاه آمده است.

۱- سوره بقره/ آیه ۱۸۷ (خِطِ الْأَبْيَضِ - خِطِ الْأَسْوَدِ)؛

۲- سوره آل عمران/ آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ (تَبْيِضُ وَجْهِهِ - تَسْوَدُ وَجْهِهِ) (اسْوَدَّتْ و اَبْيَضَتْ)؛

۳- سوره فاطر/ آیه ۲۷ (جَدَّدَ بَيْضًا - غَرَابِيبَ سَوْدٍ) بَيْضٌ جَمْعُ اَبْيَضٍ وَ سَوْدٌ جَمْعُ اَسْوَدٍ مِی‌باشد.

اسلام که دینی منطبق بر فطرت و نظافت و پاکی است، بر پوشیدن لباس سفید بسیار تأکید ورزیده و بهترین رنگ در لباس را سفید معرفی کرده است. بیشتر لباس‌های رسول اکرم سفید بود و می‌فرمود: بر زندگانتان لباس سفید بپوشانید و مردگانتان را با آن کفن کنید. در نماز نیز پوشیدن لباس سفید مستحب است و سیاه کراهت دارد. (مجلسی، ۱۳۷۸: ۱۷۴)

لفظ «أبيض» تنها یک مرتبه در قرآن در آیه ۱۸۷ سوره بقره (خِطِ الْأَبْيَضِ) آمده است که شاید اشاره به اصل بودن نور سفید برای سایر رنگ‌ها باشد و رنگ سیاه هفت مرتبه در قرآن کریم به کار رفته است. یکی از کاربردهای سیاه و سفید در قرآن، در سوره آل عمران، آیه ۱۰۶ و ۱۰۷ که مربوط به سیاهی و سفیدی چهره انسان‌ها در قیامت است: «يَوْمَ تَبْيَضُّ وُجُوهٌ وَتَسْوَدُّ وُجُوهٌ فَأَمَّا الَّذِينَ اسْوَدَّتْ وُجُوهُهُمْ أَكْفَرْتُمْ بَعْدَ اِيْمَانِكُمْ فَذُوقُوا الْعَذَابَ بِمَا كُنْتُمْ تَكْفُرُونَ وَأَمَّا الَّذِينَ اَبْيَضَّتْ وُجُوهُهُمْ فَبِئْسَ مَا فِيهَا خَالِدُونَ» (در روزی که چهره‌هایی سفید می‌شوند و چهره‌هایی سیاه می‌گردند؛ و اما کسانی که چهره‌هایشان سیاه شد، (به آنها گفته می‌شود): آیا بعد از ایمانتان کفر ورزیدید؟! پس به سبب کفر ورزیدن، عذاب را بچشید؛ و اما کسانی که چهره‌هایشان سفید شده، پس در رحمت خدایند؛ در حالی که آنان در آن (رحمت) ماندگارند.)

سفید در این آیه نماد ایمان و سعادت و سیاه نشانه جهل و شقاوت و کفر است. قرآن برای بیان سعادت مؤمنان چهره‌ای سفید از آنان ارائه می‌دهد و بدبختی کافران را با رنگ سیاه نشان می‌دهد و این به خاطر خواص ویژه این دو رنگ است. سفیدی کنایه از خشود اهل ایمان و سیاهی کنایه از انفعال، خجالت و سرافکنندگی کافران است. (طباطبایی، ۱۳۸۴: ۴۱۴)

به‌طور کلی، موضوع رنگ‌ها یکی از شگفتی‌های مطرح شده در قرآن می‌باشد. قرآن کریم علاوه بر کاربرد واژه‌های کلی مربوط به رنگ‌ها از قبیل (لون، الوان و صیغه) از برخی رنگ‌ها (مانند زرد، سبز، آبی، قرمز، سفید و سیاه) نیز به‌طور ویژه نام برده و رنگ خدایی را بهترین رنگ معرفی کرده است چون در بسیاری از این آیات مطالبی درباره آثار رنگ‌ها آمده است، برخی بر آن شده‌اند پدیده‌ی رنگ‌ها را از مظاهر اعجاز علمی قرآن به شمار آورند؛ بر خلاف عده‌ای دیگر که آیات مربوط به رنگ‌ها را جزء رازگویی‌ها و شگفتی‌های علمی قرآن شمرده‌اند.

پس از بیان تفاوت این دو، با ذکر تمامی آیات مربوط به رنگ‌ها در قرآن و پس از بررسی گفتار دانشمندان در هر مورد، به این نتیجه می‌رسیم که در مواردی می‌توان ادعای اعجاز علمی در رنگ‌ها را پذیرفت، مانند آیه ۶۹ سوره نحل که به موضوع رنگ درمانی اشاره دارد و آیه ۶۹ سوره بقره که اثر شادی بخش رنگ زرد یک دست را بیان می‌کند؛ در حالی که در برخی موارد نکات مطرح شده تنها رازگویی علمی است؛ هر چند مؤلف معتقد است با اندیشیدن، تدبیر و تحقیق در نشانه‌های خدا در عالم هستی و آیات قرآن می‌توان در موارد دیگری نیز به اعجاز علمی اسرار شگفت‌انگیز قرآن پی‌برد. همان‌طور که گفته شد یکی از عناصری که رابطه‌ی میان گرافیک و آیات قرآن می‌باشد، رنگ است که تا حدودی در اینجا صحبت شد و هر رنگ در قرآن نماد یک چیز است؛ مثلاً رنگ سبز در قرآن همان‌طور که اشاره شد، نماد رویش، حیات و زندگی است و همچنین دیگر رنگ‌ها که درباره آن‌ها صحبت کردیم، نمونه‌ای از رابطه‌ی نمادها و نشانه‌های تصویری آیات قرآن کریم از منظر گرافیک می‌باشد.

۴- پیام در قرآن

از دیگر عناصر گرافیک در قرآن پیام است. ابزارهای هنری، یکی از رساترین، بلیغ‌ترین و کاری‌ترین ابزار ابلاغ و تبلیغ پیام است. در واقع، هنر نیز یک شیوه بیان است، یک شیوه ادا کردن است، منتها این شیوه بیان از هر شیوه تبیین دیگر، رسا تر، دقیق‌تر، نافذتر و ماندگارتر است. اگر زبان علمی یا عادی دارای این ویژگی و بیان مستقیم حقایق است، زبان هنر نیز، این ویژگی را دارا خواهد بود که بیان غیر مستقیم همین حقایق است، با این تفاوت که زبان هنر، بیانگر حقایق به‌صورت واقعی آن‌ها نیست، بلکه بر عنصر تخیل استوار است. به عنوان مثال، برای نشان دادن اهمیت انفاق در راه خدا، گاهی می‌گوییم: «هر کس برای خشود خود را انفاق کند» چند برابر آن پادشاه خواهد داشت. این سخن، یک بیان واقعی یا عادی و یا علمی است. اما هنگامی که همین مفهوم را در آیه ۲۶۱ سوره بقره، مشاهده می‌کنیم، می‌بینیم، قرآن کریم این تعبیر را در قالب یک بیان «هنری»

در آورده و در آن، یک رابطه جدید بین انفاق و دانه گندم به تصویر کشیده شده است: «کسانی که اموال خود را در راه خدا انفاق می کنند، همانند بذری هستند که هفت خوشه برویاند.»

بنابراین، قرآن کریم، برای عمق بخشیدن و محکم تر کردن مقصود مورد نظر در ذهن مخاطب از یک شیوه هنری سود برده است و پیام داده است.

در یک نگاه کل، چنین می توان گفت: هر چند در قرآن کریم، به صراحت آیه ای درباره هنر و ارزش آن وارد نشده است، ولی از آن جا که دعوت قرآن کریم و اسلام به چیزهایی است که در فطرت آدمی است، میل به زیبایی و استفاده از شیوه های مختلف هنری برای جذب بیشتر از امور فطری است که در وجود انسان است و قهراً قرآن کریم می بایست، به گونه ای به زیبایی هنر و ارزش آن پرداخته باشد، برخی آیات که در این زمینه وارد شده اند و با خود پیامی را به دنبال دارند، عبارتند از:

۱- سوره سجده، آیه ۷: «الَّذِي أَحْسَنَ كُلَّ شَيْءٍ خَلَقَهُ...؛ او همان کسی است که هر چه را آفرید، نیکو آفرید...»

۲- سوره غافر، آیه ۶۴: «وَصَوَّرَكُمْ فَأَحْسَنَ صُوْرَكُمْ...؛ و شما را صورت گری کرد و صورتتان را نیکو آفرید...»

۳- سوره مومنون، آیه ۱۴: «فَتَبَارَكَ اللَّهُ أَحْسَنُ الْخَالِقِينَ...؛ پس بزرگ است، خدایی که بهترین آفرینندگان است...»

۴- سوره بقره، آیه ۱۳۸: «صِبْغَةَ اللَّهِ وَمَنْ أَحْسَنُ مِنَ اللَّهِ صِبْغَةً...؛ رنگ خدایی (بپذیرید رنگ ایمان، توحید و اسلام) و چه رنگی از رنگ خدایی بهتر است!...»

۵- سوره اعراف، آیه ۳۲: «قُلْ مَنْ حَرَّمَ زِينَةَ اللَّهِ...؛ بگو چه کسی زینت های الهی را که برای بندگان خود آفریده روزی های پاکیزه را حرام کرده است؟ ...»

۶- سوره اعراف، آیه ۳۱: «يَا بَنِي آدَمَ خُذُوا زِينَتَكُمْ عِنْدَ كُلِّ مَسْجِدٍ...؛ ای فرزندان آدم! زینت خود را به هنگام رفتن به مسجد با خود بردارید ...»

آیات فوق، همگی دلالت دارد بر اینکه خداوند متعال نیز از زیبایی و قامت موزون در پدیده ها خبر می دهد و به نقش هنر، زیبایی، هماهنگی، دلنوازی و صورت های زیبا و دلپذیر در مخلوقات خود ذرات عالم، اشاره می فرماید، پس ما نیز باید، درس گرفته و در کارها و اعمال مان، از هنر و زیبایی و خلق شیوه های نو و دلنواز کمک بگیریم و از این پیام ها استفاده کنیم. پیام در قرآن، همانطور که اشاره کردیم از دیگر عناصر گرافیک است که در قرآن آمده است و رابطه ی نمادها و نشانه های تصویری آیات قرآن را با گرافیک را نشان می دهد.

۵- نور در قرآن

در عصر حاضر از انواع طراحی نوری برای ایجاد روشنایی روزمره استفاده می شود که قسمتی از این طراحی نوری در اختیار طراحان گرافیک قرار گرفته است. امروزه نور در زمینه ی گرافیک چنان تنوعی یافته است که کمتر کسی را می توان یافت که برای تبلیغات محیطی از نور پردازی استفاده نکرده باشد. این مسئله باعث می شود که ایده های خلاقانه آنها به هنگام استفاده و اجرا جلوه ی واقعی خود را نداشته باشد. در قرآن کریم از نور بسیار یاد شده است، نور نامی از نام های خداوند و اسم یکی از سوره های قرآن کریم است و از کلماتی است که در قرآن و احادیث کاربردهای بسیاری دارد؛ و بر مصادیق گوناگونی اطلاق شده است. گرچه این مصادیق از نوع واحدی نیستند ولی وجود ویژگی خاصی در آنها سبب شده است که آنها را نور بنامند.

باید پذیرفت که اولین و ساده ترین تجربه ما از نور، همان نور حسی است و در عرف عام غالباً از نور همان معنا را منظور می کنند ولی ویژگی ظاهر با لذات و مظهر للغير اعم از نور حسی است. یکی از کاربردهای نور در قرآن همان نور حسی است مانند: هو الَّذِي جَعَلَ الشَّمْسُ ضِيَاءً و القمر نور (سوره یونس، آیه ۵) و جعل القمر فيهن نور (سوره نوح، آیه ۱۶) و جعل الظلمات و النور (سوره الانعام، آیه ۱) امام محمد غزالی این معنا از نور را مختص عوام و امری نسبی می داند و می گوید نور در مورد افراد نابینا نه آشکار است و نه آشکار کننده بنابراین علاوه بر نور، ذات بیننده نیز رکنی از ادراک است و اگر به دیده دقت بنگریم نور نه باعث ادراک که محل ادراک است پس قوه باصره به نام نور سزاوارتر است تا شئی مبصر. (۱۳۶۴)

حال اگر علم و معرفت با طلب حقیقت و دل بستگی به آن و گام گذاشتن در راه آن همراه شود و فرد عالم علم خود را چراغ راه تعالی خود قرار دهد و در جستجوی کمال برآید ایمان حاصل می شود؛ و در آیاتی از قرآن کریم بر ایمان، اطلاق نور شده است؛ مانند:

- و جعلنا له نوراً يمشى به في الناس (سوره الانعام، آیه ۱۲۲)

- و يجعل لكم نوراً تمشون به (سوره الحديد، آیه ۲۸)

- الله ولىّ الذين آمنوا يخرجهم من الظلمات الى النور (سوره البقره، آیه ۲۵۷)

امام محمد غزالی می نویسد همانگونه که خورشید آسمان برای رؤیت چشم ظاهر امری ضروری است چشمان عقل یا چشمان باطن هم به خورشیدی نیاز دارد و آن خورشید باطن قرآن کریم است.

در آیاتی از قرآن کریم بر خود قرآن اطلاق نور شده است؛ مانند:

- «فأمنوا بالله و رسوله و النور الذى انزلن (سوره التغابن، آیه ۸)

- قد جاءکم برهان من ربکم و انزلنا الیکم نورا مبین (سوره النساء، آیه ۱۷۴)
 - و اتبعوا النور الذی انزل معه اولئک هم المفلحون (سوره الاعراف، آیه ۱۵۷)
- غرض از این تعبیر این است که بپهماند قرآن کریم نوری است که راه زندگی و آن طریقی را که انسان باید برای رسیدن به سعادت و کمال پیماید روشن می‌سازد. (طباطبایی، ۱۳۶۳)
- مؤمنان که به واسطه ایمان به هدایت و روشن بینی خود حیات دیگری یافته‌اند در جهان آخرت دارای نور هستند که به کمک آن از صراط می‌گذرند و قرآن کریم در آیاتی از خود به آن اشاره دارد؛ مانند:
- یسعی نور هم بین ایدیهم (سوره الحديد، آیه ۱۲)
 - نورهم یسعی بین ایدیهم (سوره التحريم، آیه ۸)

آیات بیشتری در قرآن در رابطه با نور وجود دارند که من در اینجا به همین چند نمونه بسنده میکنم و توضیحات خود را در رابطه با نور و نمادها و نشانه‌ها ی آن در قرآن از منظر گرافیک ادامه میدهم. نور به معنای روشنایی که زایل کننده تاریکی و ظلمت است بر موجودات مختلفی اطلاق شده است. ساده‌ترین معنای آن نور حسی است که از مراتب عالم اجسام است. مراتب والا تر نور، نور علم، ایمان، هدایت، امام، پیامبر، عقل، ذات خداوندی و غیره است. در تمام این مصادیق، رفع سرگردانی و ظلمت و ایجاد روشنی و وضوح و تعیین راه و هدف از لوازم نور و روشنایی است؛ بنابراین آدمیان که در این دنیا گرفتار انواع ظلمات و تاریکی‌ها هستند می‌بایست به انواع روشنایی و نور تمسک کنند تا به مراتب بالاتری از کمال دست یابند. نور به عنوان یکی از مهم ترین عناصر گرافیک میتواند بر روی جسم و فکر انسان تاثیر گذار باشد. زیبایی یک اثر از ترکیب عناصر مختلف شکل گرفته است، که نور می‌تواند عامل مهمی در زیبایی یک اثر باشد. نور باعث شناخت و رویت اجسام در طبیعت می‌گردد. نوری که مدل در یافت می‌کند به ما می‌گوید که از شکل های تخت درست شده است، یا منحنی، کروی.

سوره نور آیه ۳۵ اشاره به این مفهوم دارد: وجود نفس ریشه در عالم نور دارد. نورها در روح انسان حالتی را برمی‌انگیزد که با واقعیت کیفی و نمادینش همخوانی دارد. نور تمام ویژگی‌های فیزیکی را برای ما آشکار می‌سازد و بسته به اینکه نور تابیده شده به مدل تند، قوی، درخشان، نرم، یا سر دست میتواند شادی، غم، نارامی و آرامش و سایر حالات را بیان کند. همان طور که گفتیم در قرآن کریم از نور بسیار یاد شده است، نور نامی از نام‌های خداوند و اسم یکی از سوره‌های قرآن کریم است و یکی از عناصر مهم در گرافیک می‌باشد و میتوان آن را از دیگر رابطه‌های نمادها و نشانه‌های تصویری آیات قرآن کریم از منظر گرافیک دانست.

۶- ریتم در قرآن

اگر به علم تجوید (یعنی قرائت درست قرآن کریم) مراجعه نماییم، ظرافت‌های هنری و موسیقایی را درمی‌یابیم که در کشف اصطلاح ریتم یا آهنگ به ما کمک می‌کند، چون در تجوید به انواع مدها اشاره می‌شود. یعنی مدّ با دو حرکت و مدّ با چهار حرکت و مدّ با شش حرکت و مدّ لازم سنگین و مشدّد مثل: «الطّامّة، الصّاخّة، اُنْحَاوُنِی و تَامُرُوُنِی» و مدّ لازم با انواع چهارگانه آن که مدّ آن باید به میزان شش حرکت باشد و اِشباع نامیده می‌شود و این از نظر همه قاریان پذیرفتنی است. اگر انواع مدهای لازم تطبیق یابد، مطالب فراوانی برای پژوهشگران فراهم خواهد شد و بسیاری از آراء به کلیدهای این هنر نیازمند خواهند بود. این ساخت در شعر چندان رواج ندارد، اما در ریتم قرآن دارای انگیزه‌ی هنری است. ریتم و هماهنگی آوایی قرآن دقیقا مطابق با هماهنگی معنایی آن است. در قسمت‌هایی از قرآن که ریتم تند می‌شود معنای بسیاری ارایه شده و در مواردی که ریتم کند است، سرعت ارایه محتوا نیز کند می‌شود. این نکته بسیار مهمی است که امروزه در هنر معاصر مورد غفلت قرار گرفته است. امروزه بیشتر هنرمندان توجه بسیاری به تکنیک داشته و به معنا بی‌توجه هستند. ریتم و هارمونی اخذ شده از قرآن در هنرهای دیگری چون گرافیک و معماری به ویژه معماری مساجد هم نمودار می‌شود. در مساجد هرچه دیده می‌شود از موسیقی قرآنی اخذ شده است. مابین معماری، موسیقی، شعر، نگارگری و خوشنویسی در تمدن اسلامی وحدتی دیده می‌شود که ریشه‌اش در معنای توحیدی اسلام است. هنر آهنگ دلپذیر، ریتم و آوای طبیعت است. از دیگر عناصر مهم در گرافیک، ریتم است و همانطور که اشاره کردیم آوای قرآن و تلاوت آن دارای ریتم است و آهنگین می‌باشد و این خود رابطه نمادین با گرافیک دارد.

۷- وحدت و کثرت در قرآن

از دیگر عناصر مهم در گرافیک که در قرآن نیز به آن اشاره شده است، وحدت و کثرت و از کثرت به وحدت رسیدن است. معنا و مفهوم وحدت در نظر حکیمان بدیهی و بی‌نیاز از تعریف است؛ چون معتقدند که وحدت مساوق با وجود است و تعریف آن مانند تعریف وجود ممکن نیست مگر این که دور یا تعریف چیزی به واسطه خود آن چیز لازم آید. (ملاصدرا، ۱۳۸۲)

کثرت به معنی تعدد و بسیاری و تنوع است، اما وحدت به معنی یکی شدن و واحد است. مسلم این است که مشابهت موجب وحدت می‌شود و از آن جا که مشابهت بیش از حد موجب یکنواختی و دلزدگی می‌شود نیاز به تنوع نیز هست. جستجوی وحدت از طرفی و تمایل به تنوع در احساسات انسانی نقش عمده ای دارد. وحدت و تنوع باهم رابطه نزدیکی با هم دارند و از آن به عنوان

وحدت در کثرت یاد می کنند اجزای متنوع و کوچک در یک کل قرار می گیرند و به صورت یک واحد در می آید. به جامعه انسانی نگاه کنیم ظاهر انسان ها متفاوت است، اما از نظر فطری، در باطن یکی هستند. همین انسان های متفاوت در مراسم مذهبی حج مسلمانان به وحدت می رسند. نماد وحدت در کثرت و اندیشه توحیدی زمانی پدیدار می شود که میلیون ها انسان در طواف کعبه به حرکت در می آیند. از این عده کثیر یک کل سازماندهی شده به وجود می آید و این گونه در مراسم حج، وحدت در کثرت معنا می یابد. در ضمن از نظر معنوی نیز هر انسان به عنوان جزئی از کل غرق در عالم معنا می شود و خود را فراموش می کند و غیر از ظاهر، در باطن هم به وحدت می رسد. (بندل، ۱۳۷۹، ص ۶۷)

هنر اسلامی نتیجه تجلی وحدت در کثرت و دست یابی به اندیشه توحیدی است و همیشه به کمک وحدت بصری، توحید و یگانگی را به نمایش گذاشته است تا با تمام. در هنر، نمادها با کمک ریتم و تکرار، توان آدمی را به سوی ذکر توحید سوق دهد می شوند و این تکرار در نظمی خارق العاده منجر به وحدت می شود که جلوه ای از کثرت در وحدت به شمار می روند که این موضوع در هنر گرافیک بسیار یافت می شود و از دیگر عناصر گرافیک در قرآن می باشد. به این ترتیب از دیگر عناصری که رابطه نمادها و نشانه های آیات قرآن و گرافیک است وحدت و کثرت می باشد که از نمونه های آن مراسم مذهبی حج مسلمانان است که به وحدت می رسند و همگی به سوی ذکر توحید سوق داده می شوند. در ادامه می توانیم بگوییم که قرآن کریم با تصویر، سخن خود را آغاز کرده است، آن چنان که هر مرتبه که با آیات آن مواجه می شویم، تصویری را می بینیم که از مقابل چشمانمان عبور می کنند و پیام می دهند. این نگاه ما را وارد فضای تصویر سازی آیات قرآن می کند. مطالبی را که تا اینجا در این مقاله مورد بررسی قرار داده ام، در هنر گرافیک مثل تصویر سازی، پوستر، جلد کتاب، آرم و نمونه های دیگر میتوان استفاده کرد. برخی از هنرمندان گرافیکست مانند: حبیب الله فلاح نژاد، عطاءاله شاکری، رضا مهدوی از نمادها و نشانه های تصویری آیات قرآن کریم استفاده کرده و تصاویر زیبایی را خلق نموده اند، در اینجا چند نمونه از این کارهای گرافیکی را می بینیم که از قرآن تصویر سازی شده است:



شکل ۱- تصویر سازی از آیات قرآن
(منبع: habib-fallahnezhad.blogfa.com)



شکل ۱- تصویر سازی از آیات قرآن
(منبع: habib-fallahnezhad.blogfa.com)



شکل ۱- تصویر سازی از آیات قرآن
(منبع: habib-fallahnezhad.blogfa.com)



شکل ۱- تصویر سازی از آیات قرآن
(منبع: habib-fallahnezhad.blogfa.com)

۸- نتیجه گیری

جهانی بودن زبان هنر در میان راه های مختلف پیام رسانی و برخورداری از سرعت و پذیرش بیشتر آن در انتقال پیام، همگی حکایت از قدرت هنر دارد. هنر نردبانی است که به بام حقیقت منتهی می شود، به شرط آنکه بر دیوار قرآن تکیه کند و در واقع هنر، پلکان اضطراری در آسمان خراش روح است. استفاده هر چه بیشتر از هنر گرافیک، می تواند تأثیرات فراوانی بر مخاطبان داشته

باشد؛ همان گونه که در انتقال سایر مباحث و نکات موثر واقع شده است و حیف است که برای انتقال آموزه های قرآن، کمتر از آن استفاده می شود. اهالی فن و هنر گرافیک، زمانی کمبود را حس می کنند که بخواهند در باره قرآن و موضوع های قرآنی، طرح های گرافیکی متعددی را جلوی چشمان خود ببینند و زمانی که اقدام می کنند می فهمند که در این باره حقیقتاً کم کاری شده است. این جاست که ترغیب می شوند چنین متونی را بنویسند و سعی کنند اهالی گرافیک را بیش از پیش به وادی انتقال آموزه های قرآن با استفاده از گرافیک بخوانند. امیدواریم که در آینده پژوهشگران و هنرمندان بتوانند بیشتر در این زمینه کار کنند و از قرآن و نشانه های آن و نماد های قرآنی در هنر گرافیک بیشتر بهره ببرند.

منابع

۱. ابوطالبی، الهه، ۱۳۷۲، مفاهیم نمادین رنگ ها، بی جا، اداره پژوهش های اسلامی سیما.
۲. آسبرگر، آرتور، ۱۳۸۷، روش های تحلیل رسانه ها، پرویز اجلائی، تهران، وزارت فرهنگ ارشاد دفتر مطالعات و توسعه رسانه ها.
۳. پاک نژاد، رضا، ۱۳۶۳، اولین دانشگاه و آخرین پیامبر، جلد ۵، یزد، بنیاد فرهنگی شهید دکتر پاک نژاد.
۴. حویزی، علی بن جمعه عروسی، ۱۳۸۳، تفسیر نورالثقلین، تصحیح سید هاشم رسولی محلاتی، قم، المطبعة العلمية.
۵. شاهین، عبدالصبور، ۱۹۷۰، القراءات القرآنیة فی ضوء علم اللغة الحدیث، قاهره، دار الکتب.
۶. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۵، سنن النبی (آداب زندگی پیامبر ۹)، قم، انتشارات تهذیب.
۷. طباطبایی، سید محمدحسین، ۱۳۸۴، تفسیرالمیزان، ج ۱۹، چ ۸، قم، دارالکتب الاسلامیه.
۸. طباطبایی، محمد بن حسین، ۱۳۶۳، المیزان، ج ۷، تهران، رجاء.
۹. طبرسی، فضل بن حسن، ۱۴۰۶، تفسیر مجمع البیان، ج ۲، بی جا، دارالمعرفة.
۱۰. غزالی، امام محمد، ۱۳۶۴، مشکوة الانوار، ترجمه صادق آینه‌وند، تهران، امیر کبیر.
۱۱. لوثر، ماکس، ۱۳۸۳، روان شناسی رنگ ها، ویدا آبی زاده (مترجم)، بی جا، نشر درسا.
۱۲. مجلسی، محمد باقر، ۱۳۷۸، حلیة المتقین، تصحیح مرتضی جنتیان، اصفهان، کانون پژوهش.
۱۳. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۰۳، بحار الانوار، جلد ۱۰۴، چاپ سوم، بیروت، مؤسسه الوفاء.
۱۴. مجلسی، محمد باقر، ۱۴۱۲، بحار الانوار، ج ۱، لبنان، دار احیاء التراث.
۱۵. مکارم شیرازی، ناصر، ۱۳۶۳، تفسیر نمونه، ج ۲۵، چ ۲۱، تهران، دارالکتب الاسلامیه.
۱۶. ملا صدرا، ۱۳۸۲، اسفار، ج ۲، بی مکان، مرکز نشر اسرا.
۱۷. نظری دارکولی، محمد رضا، ۱۳۹۱، راهنمای داستان نویسی، تهران، انتشارات آریابان.
۱۸. ویلز، پائولین، ۱۳۸۵، رنگ ها و تأثیرات درمانیشان، ترجمه مینا اعظامی، تهران، نشر صورت‌گر.
۱۹. یندل، کیث، ۱۳۷۹، تجربه دینی، ترجمه ی انشاءالله رحمتی، ش ۲۳-۲۴، نقد و نظر.

پژوهشگاه علوم انسانی و مطالعات فرهنگی
پرتال جامع علوم انسانی